

Application of Futures Studies in the Studies of the Last Presidential Election in Iran; Case Study: 2021 Presidential Election

Hossein Zafari *, **Seyyed Mohammad Saleh Beheshti Nezhad ****

Reza Ghayoumni Pour***

Abstract

In today's turbulent world, what has become the focus of attention in the future is the use of the opportunities that lie within it, in order to be resilient and to avoid surprises. This has led many individuals and organizations to always seek to discover the future and take preemptive action to reap its benefits. One of the most important contexts of this view in Iran is the presidential election, which in 2021 became the focus of various currents to reduce or increase public participation. In this article, first, the environment surrounding the participation in the elections of 2021 categories and the drivers of each category have been analyzed. A meta-analysis of elite views based on a review of trends in society and the social space shows that key uncertainties covering other uncertainties are the two factors of "hope and livelihood". This means that each of the drivers can have a positive or negative effect on social hope, as well as on improving or worsening the living conditions of society. Thus, these two play a role as a framework of scenarios. Finally, four scenarios of enthusiastic participation, participation of people to change the situation, negative participation and not to the ballot (minimum participation) have been determined and examined as scenarios of participation in elections.

Keywords: Scenario, Election, President, Participation, Futures Studies.

* Corresponding author: Assistant Professor, Department of Crisis Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran

** PH.D Candidate in Political Studies, Shahed University, Tehran, Iran

*** PH.D Candidate in Futurology, Imam Hossein University, Tehran, Iran

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی
آینده پژوهی انقلاب اسلامی

(پاییز ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۳: ۱۳۴ - ۱۰۵)



کاربست آینده پژوهی در مطالعات انتخابات گذشته ریاست جمهوری در ایران؛

(مطالعه موردی: انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰)

حسین ظفری*، سیدمحمد صالح بهشتی نژاد**، رضا قیومی پور***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

چکیده

در جهان آشوب زده کنونی، آنچه سبب شده تا توجه به آینده در کانون توجهات قرار گیرد، استفاده از فرصت‌های نهفته در آن، به منظور تاب‌آوری و جلوگیری از غافلگیری است. این موضوع سبب شده است تا بسیاری از افراد و سازمان‌ها، همواره در پی کشف آینده و اقدام پیش‌دستانه برای بهره‌مندی از منافع آن باشند. یکی از مهم‌ترین بسترهای این نگاه در ایران، انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد که در سال ۱۴۰۰، نقطه تمرکز جریان‌های گوناگون برای کاهش یا افزایش میزان مشارکت مردم در آن شده است. در این مقاله ابتدا محیط پیرامونی مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ دسته‌بندی و پیشران‌های هر دسته مورد تحلیل قرار گرفته است. فراتحلیل نظرات نخبگان براساس بررسی روندهای موجود در جامعه و فضای اجتماعی، نشان می‌دهد که عدم قطعیت‌های کلیدی پوشش‌دهنده سایر عدم قطعیت‌ها، دو عامل "امید و معیشت" هستند؛ به این معنا که هر کدام از پیشران‌ها می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر امید اجتماعی و هم‌چنین بر بهتر یا بدتر شدن وضعیت معیشت جامعه داشته باشد. پس این دو، به‌عنوان چارچوب سناریوهای انبساطی نقش می‌کنند. در نهایت چهار سناریوی مشارکت شورآفرین، مشارکت مردم برای تغییر شرایط، مشارکت سلبی و نه به صندوق (مشارکت حداقلی) به‌عنوان سناریوهای میزان مشارکت در انتخابات تعیین و بررسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سناریو؛ انتخابات؛ ریاست جمهوری؛ مشارکت؛ آینده پژوهی.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت بحران، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران

Hosseinzafari@gmail.com

S.mohamad.beheshti@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Rezaghaumipour@gmail.com

*** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران

مقدمه

در جهان آشوب زده کنونی، آنچه سبب شده تا توجه به آینده در کانون توجهات قرار گیرد، استفاده از فرصت‌های نهفته در آن، به‌منظور تاب‌آوری و جلوگیری از غافلگیری است و تحولات و مسائل داخلی (هم‌چون ریاست جمهوری) و حتی تحولات جهانی و منطقه‌ای (هم‌چون رویدادهای غرب آسیا)، به‌گونه‌ای شده است که از دل آن، تغییرات بزرگ و شگفت‌انگیزی بیرون آمده است. این موضوع سبب شده است تا بسیاری از افراد و سازمان‌های پیش‌رو، همواره در پی کشف آینده و اقدام پیش‌دستانه برای بهره‌مندی از منافع آن باشند.

جریان انقلابی از این قاعده مستثنی نیست و باید بتواند به‌عنوان کنشگری فعال در عرصه پاسداری شناختی در فضای سیاست انقلابی نقش آفرینی نماید؛ او چاره‌ای ندارد جز آنکه اقدام به آینده‌پژوهی نماید که از این طریق بتواند تغییرات محیط را درک نموده و با تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات راهبردی کسب شده از محیط، عمل نماید. رقیبان و دشمنان، برنامه‌های بلندمدتی برای کم‌رنگ کردن حضور و مشارکت مردم در انتخابات دارند. طرح کنونی می‌تواند نقش محوری را در آماده‌سازی نسبت به مخاطرات و احتمالات آتی ایفا کند و به‌فعالیت‌های رصد انتخاباتی جهت بدهد تا در نهایت برنامه‌های پابرجاتری برای پاسداری شناختی مردم در انتخابات رقم بخورد. در واقع سؤال پژوهش این است که چه سناریوهایی برای میزان مشارکت مردم ایران در انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری وجود داشته و مؤلفه‌های اصلی و اثرگذار بر هر یک از این سناریوها کدام است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آینده‌پژوهی

پیچیدگی روزافزون و شتاب گرفتن تغییرات باعث کاسته‌شدن فرصت برای تصمیم‌گیری شده و هم‌چنین تصورات قبلی را تا حدودی نامربوط کرده است. پیش‌نگری فرصت میان‌رخ‌دادهای بالقوه و برنامه‌ریزی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین شتاب و پیچیدگی تغییرات جامعه امروزی، ارزش

هشدارهای زود هنگام را هر چه بیشتر می‌کند؛ زیرا باعث افزایش بازه زمانی موجود جهت انجام تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه می‌شود.

شایع‌ترین دلیل برای به‌کارگیری روش‌های آینده‌پژوهی، فهمیدن آنچه اکنون نمی‌دانیم است؛ اما باید بدانیم تا بتوانیم تصمیمات هوشمندانه بگیریم. برای مثال، شخصی می‌تواند سناریوی خاصی را بنویسد تا به واسطه آن ببیند که یک آینده مشخص ممکن است چگونه اتفاق بیفتد. حین نوشتن برای او روشن می‌شود که جهت واقع‌شدن رویدادها از زمان حال به آینده، هیچ‌گذار آسانی وجود ندارد. این مشکل باعث متمرکز شدن ذهن بر پاسخ‌گویی به سؤالات مهمی می‌شود که به ارائه سیاستی بهتر جهت رسیدن به آن هدف مشخص منجر شود.

این امر ما را وادار به فکر کردن به آینده کرده و کمک می‌کند فرضیه‌هایی را برای خود مشخص کنیم، نیازهایم و در صورت نیاز تغییرات لازم را اعمال کنیم. اگر مدل‌های ذهنی ما از طرز کار جهان اشتباه باشند، پیش‌نگری‌های ما نیز خودبه‌خود اشتباه خواهند بود و از هر روشی که استفاده کرده باشیم، هیچ فرقی نخواهد داشت. به اختصار می‌توان این عناوین را به‌عنوان دلایل اندیشیدن به آینده در سطوح فردی و کلان نام برد: برای موفقیت شغلی، آماده‌شدن برای تغییر، انتخاب آینده خود، تصمیم‌گیری‌های بهتر، کمک به فرزندان، پیشگیری از حوادث و بلایای طبیعی، استفاده از فرصت‌ها، درک جهان‌امروزی، افزایش اعتماد به نفس و توسعه دادن افق دید (نصراصفهانی و همکاران، ۱۴۰۰).

آینده‌پژوهی، مطالعه سیستماتیک آینده‌های مرجح، ممکن و محتمل، شامل دیدگاه‌هایی است که بر هر آینده‌ای تأکید می‌کند. در پنجاه سال اخیر مطالعه آینده از حالت پیش‌بینی آینده به ترسیم آینده‌های بدیل و شکل‌دهی به آینده‌های مطلوب در سطوح جمعی بیرونی و فردی درونی حرکت کرده است (ماسینی^۱، ۱۹۸۳). در فرهنگ لغت فلسفه آکسفورد، "آینده‌شناسی" این‌گونه تعریف شده است: "... فعالیت مربوط به پیش‌بینی وضع جهان در زمان آینده از روی قرائن روندهای حال" (بلاکبورن^۲، ۱۹۹۶). در فرهنگ فلسفه، آینده‌شناسی این‌گونه تعریف می‌شود: "...

1. Masini
2. Blackburn

تحقیق در روش‌های پیش‌بینی و در آنچه که آینده در خود جای می‌دهد؛^۱ درحالی‌که در فرهنگ تفکر مدرن نورتون، اصطلاح مذکور این‌گونه تعریف می‌شود: "یک حدس یا تفکر منظم عقلانی؛ پیش‌بینی که مبتنی بر روند مداوم یا مبتنی بر برخی احتمالات تعریف‌شده رویدادهاست و پیش‌بینی که از وقوع یک حادثه خاص خبر می‌دهد". تا آنجا که به این تعریف‌ها مربوط است، تعدادی از عناصر مهم در آینده‌شناسی یا آینده‌پژوهی وجود دارد.

الف) فعالیت‌های معطوف به پیش‌بینی یا پیش‌گویی از طریق روش‌های مختلف؛

ب) مطالعه روند کنونی در بخش‌های طبیعی، فناورانه، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و

ج) احتمالات مربوط به آینده به معنی وضع جهان در زمان آینده.

با در نظر گرفتن تمامی این ویژگی‌ها می‌توان تعاریف آینده‌پژوهی را از منظر آینده‌پژوهان

درک کرد. بر طبق نظر روی آمار، آینده‌پژوهی عبارت است از:

الف) هرگونه تلاش سیستماتیک جهت بهبود فهم ما از پیامدهای آینده انتخاب‌های حاضر.

ب) هرگونه تلاشی برای سیستماتیک کردن مفروضات و ادراکات مان درباره آینده. این امر در

سه دسته جای می‌گیرد: کشف آینده‌های ممکن (هنر آینده‌گرایی)؛ کشف آینده‌های محتمل

(علم آینده‌گرایی) و کشف آینده‌های مرجح (سیاست و روان‌شناسی آینده‌گرایی) (آمارا^۱،

۱۹۷۴).

درواقع آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاشی‌هایی است که منجر به شناخت آینده‌های ممکن

و محتمل و طراحی و ساخت آینده‌های مطلوب و چشم‌انداز آرمانی می‌شود. به عبارت دیگر،

«علم و هنر کشف آینده‌های ممکن و محتمل و طراحی و ساخت آینده‌های مطلوب و مرجح»

است. آینده‌پژوهی علمی فرارشته‌ای بوده و ماهیت سیستمی دارد (عرب‌بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰).

مشارکت

انتخابات در کشور ایران همواره زمینه بروز مهم‌ترین دغدغه‌های نظام بوده است؛ مشارکت

حداکثری، پیمان مجدداً با آرمان‌های انقلاب، محک پای‌بندی به قانون، تمرین مردم‌سالاری

1. Amara

دینی، حاکم شدن عقلانیت، خرد و اخلاق و افزایش سرمایه اجتماعی، از جمله اهدافی است که حاکمیت در صحنه انتخابات به دنبال تحقق آن‌ها است (مولایی و حسینی گلکار، ۱۳۹۴).

مردم‌سالاری به‌عنوان یک مفهوم جهانی امروزه به بسیاری از حکومت‌ها مشروعیت بخشیده است. با سقوط رژیم‌های کمونیستی، مهم‌ترین رقیب مردم‌سالاری حذف شد؛ به طوری که امروزه با گسترش دموکراسی به اروپای شرقی، آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین از دهه ۱۹۹۰، دموکراسی مفهومی جهانی و به شکل غالب حکومت مشروع تبدیل شد به طوری که امروزه هیچ رقیب جهانی دیگری برای دموکراسی به‌عنوان یک مدل عمده حکومت وجود ندارد. کمونیسم مرده است و نظامی‌گری دیگر جاذبه و توجیه قانونی و عرفی ندارد و تنها مدل حکومت اسلامی، جذابیت اخلاقی و ایدئولوژیک برای تبدیل شدن به یک مدل جایگزین را دارد (عبدالله، ۱۳۸۷). در ایران پس از انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری دینی به‌روشنی به‌عنوان یک گفتمان مسلط در آن خود را نشان داده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، میزان مشارکت مردم در انتخابات از مهم‌ترین مؤلفه‌های تجلی مردم‌سالاری دینی می‌باشد و آثار زیادی بر تحولات آتی کشور می‌گذارد.

این اهمیت به قدری است که رهبر انقلاب آن‌را عامل افزایش اعتبار و مصونیت کشور می‌داند. ایشان در سال ۹۰ در این باره می‌فرمایند: «هرچه صندوق‌های رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت، مصونیت کشور بیشتر خواهد شد.»

ایشان در سال ۸۸ در دیدار اعضای مجلس خبرگان نیز مشارکت بالای مردم را عامل ناامیدی دشمن از طمع به کشور می‌دانند: «یکی از برکات حضور مردم همین است که وقتی دشمنان نگاه می‌کنند و می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس می‌کنند که نمی‌شود با این نظام معارضه کرد؛ چون با یک ملت نمی‌شود معارضه کرد.»

رهبر انقلاب در سال ۸۴ در دیدار مردم کرمان می‌فرمایند: «انتخابات، هم در صحنه خارجی و در مقابل چشم بیگانگان، هم در صحنه داخلی و هم برای پیشرفت کشور، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویدادهاست.»

واژه «انتخابات» از ریشه عربی فعل «نخب» به معنای برگزیدن و اختیار کردن بوده و معادل

انگلیسی آن «الکشن»^۱ از ریشه لاتینی «الجیو»^۲ به معنای جدا کردن، سوا کردن و برگزیدن است. در فرهنگ نامه‌های فارسی، «انتخاب» به برگزیدن و گزینش چیزی برای امری بوده و در اصطلاح به برگزیدن نماینده‌ای برای مجلس (شورا، سنا)، انجمن شهر، حزب و انجمن‌های دیگر اطلاق شده که ممکن است در دو وجه گزینش اجباری یا اختیاری صورت پذیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸؛ دهخدا، ۱۳۴۲ و معین، ۱۳۶۰) و در تعاریف سیاسی، انتخابات ساز و کاری در بستر نهادهای سیاسی و مدنی برای امکان گزینش متصدیان و متولیان امور عمومی توسط مردم بوده که از طریق آن، شهروندان در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود مشارکت داشته و ضمن نظارت بر عملکرد منتخبان خود، عمل به تکلیف و مهار قدرت حاکمیت، اقبال خویش را از حاکمیت نشان می‌دهند. در حقیقت انتخابات ابزاری برای تحقق مردم‌سالاری و تأمین‌کننده مشارکت قانونی برای انتقال قدرت به شکلی مسالمت‌آمیز و در چارچوب مشخص است. باید توجه داشت مفهوم مشابه انتخابات در ادبیات اسلامی بیعت بوده، با این تفاوت که رأی در انتخابات صرفاً انتخاب کردن است نه تسلیم اطاعت شدن، در حالی که بیعت در معنای خود مفهوم ولایت را نهفته دارد و بیعت-کننده با بیعت کردن ولایت شخص را می‌پذیرد و پس از بیعت خود را تسلیم امر او می‌پندارد. انتخابات در ادبیات علوم سیاسی ذیل مؤلفه مشارکت سیاسی قرار می‌گیرد. «مشارکت سیاسی در شرایط فرهنگی، اعتقادی، ارزشی، محیطی، تجربه زیستی و هنجارهای اجتماعی مردم و نظام‌های سیاسی متفاوت بوده» (فیرحی، ۱۳۸۵) و مرزها و حدود آن، راه‌ها و شیوه‌های مشارکت افراد و عناصر شرکت‌کننده آن را، نظام سیاسی حاکم فراهم می‌کند. اما در مجموع «مشارکت سیاسی اصولاً نوعی کنش یا فعالیت است؛ لذا علاقه به سیاست یا پیگیری اخبار سیاسی را نمی‌توان نوعی مشارکت سیاسی به‌شمار آورد. دوم آنکه مشارکت سیاسی محدود به شرکت در انتخابات یا برخی اشکال متعارف نمی‌شود. سوم، منظور از مشارکت سیاسی، رفتار شهروندان و نه فعالیت سیاست‌مداران یا مسئولان حکومتی است و چهارم اینکه مشارکت سیاسی در اصل عملی داوطلبانه است؛ حتی اگر فرد به شدت تحت تأثیر برخی تلقین‌های ایدئولوژیکی یا باورهای مذهبی باشد

1. Election
2. Eligeve

(سیدامامی، ۱۳۸۶). در مشارکت سیاسی، مسأله اصلی حضور مردم برای تحقق دموکراسی است و چنین بحث می‌شود که «مردم با انجام فعالیت‌های سیاسی می‌توانند با نظام سیاسی ارتباط برقرار کرده و در سطوح بالاتر مشارکت، به مناصب سیاسی در حکومت دست یابند. هم‌چنین می‌توانند با مشارکت سیاسی، راه را بر تمرکز قدرت سیاسی در دست عده‌ای محدود که منجر به استبداد سیاسی می‌شود بسته و بر چگونگی اعمال قدرت در سطح جامعه نظارت نمایند» (رضایی، ۱۳۹۲).

روش پژوهش

پیش‌فرض مشترک در همه نظریه‌های جامعه‌شناسی آن است که همه صور کنش متقابل با اشغال مکان تجربه می‌شود. این ایده در نظریه‌های نقش فضا در تعاملات انسانی مربوط به مارگارت کوهن^۱ (۲۰۰۳)، نظریه‌های زیمل، نظریه مکان‌مندی گافمن، مفهوم میدان و عادت‌وار در نظریه بوردیو، نظریه هانری لوفور، مفهوم دگرجا در نظریه فوکو، نظریه محیط‌شناسی رابرت ازرا پارک، دیدگاه‌های گیدنز، کاستلز، هاروی و نیکلاس لوهمان، تکرار و موردتوجه بوده است. محیط‌شناسی، فرایند بررسی محیط اطراف یک واحد تحلیل (ارگانیزم، سازمان و...) است. ازمنظر آینده‌پژوهی، کاوش یا پویای محیطی به معنای کسب و به کارگیری اطلاعاتی در مورد وقایع، روندها و روابط موجود در محیط است. محققان مدیریت استراتژیک تحلیل محیطی را به معنای فرایند نظارت بر محیط سازمانی به منظور شناسایی تهدیدات و فرصت‌های جاری و آتی می‌دانند.

در واقع، تحلیل محیطی به منظور دستیابی به اطلاعاتی که به طور عمده در گام دوم روند مدیریت استراتژیک - یعنی تعیین جهت‌گیری سازمانی و تدوین استراتژی - به کار گرفته خواهد شد.

در گام اول باید مسأله یا سیستم موردبررسی تعریف، مشخص و عملیاتی شود. در گام دوم باید محیط مشخص و تعریف شود. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، توجه به مرزها و

مرزبندی‌های واحد تحلیل با محیط آن است. در کثیری از مواقع، ترسیم مرز مشخص میان سیستم و محیط، به خصوص درباره سیستم‌های اجتماعی - فرهنگی امر بسیار دشواری است؛ چون این محیط‌ها در تعامل دائمی با سیستم‌ها هستند (وکیلی، ۱۳۹۰) از این رو، امکان تفکیک آن‌ها از همدیگر دشوار است. برای مثال، مرز بین قطعه سنگ با محیط پیرامون آن تقریباً روشن است؛ اما این کار برای سیستم‌های اجتماعی - فرهنگی دشوار است؛ چراکه مرزها و نقاط تماس سیستم و محیط بسیار شکننده، متداخل، ژله‌ای و آمیخته است.

از نظر روش‌شناسی، اهمیت این مرزبندی به دلیل لزوم تفکیک متغیرهای محیطی از متغیرهای سیستم مورد بررسی یا تفکیک متغیرهای مستقل از متغیر وابسته است تا در پرتو آن بتوان روابط علی یا روابط متقابل را شناسایی و تحلیل نمود (حاجیانی، ۱۳۹۴).

در پژوهش فعلی برای تحلیل محیط پیرامون مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ یعنی بررسی عوامل و متغیرهای اثرگذار در آن، به دسته‌بندی محیطی پیشران‌های مسأله پرداخته می‌شود. هسته اصلی و نقطه عزیمت تحلیل‌های آینده پژوهانه پیشران‌ها هستند. پیشران‌ها عوامل و مؤلفه‌هایی هستند که تراکم و انرژی در آن‌ها وجود دارد و مانند نیروهایی بر مسأله ما اثرگذار خواهند بود. به عبارت دیگر، مؤلفه‌ها یا عوامل اصلی، متشکل از چند روند هستند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه در آینده می‌شوند.

برای تجزیه و تحلیل محیط پیرامون مسأله می‌توان از مدل PESTEL استفاده کرد. این مدل برای تشریح عوامل محیطی کلان مؤثر بر یک موضوع و مسأله مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعاریف و نسخه‌های متفاوتی از PESTEL در دسترس است مانند PEST (دیر^۱، ۲۰۰۶) و STEPE (ریچاردسون^۲، ۲۰۰۶). مدل PESTEL به‌عنوان بخشی از تکنیک تحلیل استراتژیک، در بخش‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مدل می‌تواند برای درک تصویر کلان از محیط کسب و کارها، صنایع و کشورها مورد استفاده قرار گیرد.

در مسأله کنونی و این پژوهش، برای دسته‌بندی پیشران‌ها براساس ماهیت محیط پیرامونی

1. Dare
2. Richardson

آن‌ها، ابتدا از مدل PESI استفاده شده است. در این مدل دسته‌بندی، محیط بیرونی مسأله در چهار بعد مختلف بررسی می‌شود که عبارتند از عوامل سیاسی^۱، اقتصادی^۲، اجتماعی^۳ و روابط بین‌الملل^۴.

در ادامه به فراخور موضوع و مسأله مورد مطالعه که «بررسی سناریوهای میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰» می‌باشد و در زمانه‌ای این انتخابات برگزار می‌شود که کشور درگیر همه‌گیری کرونا می‌باشد، یک بخش دیگر با عنوان نظام سلامت^۵ نیز به مدل اضافه شده است. در واقع مدل نهایی مورد استفاده HPESI نامیده شده تا دسته‌بندی پیشران‌ها در ۵ بخش انجام شود.

پیشران‌ها و مؤلفه‌های اصلی هر کدام از عرصه‌ها بدین ترتیب می‌باشد:

۱. اقتصادی شامل مؤلفه‌های تورم، بورس، قیمت ارز و سکه و کمبود اقلام اساسی؛

۲. نظام سلامت با تأکید ویژه بر کرونا و واکسیناسیون؛

۳. سیاسی شامل مؤلفه آشوب و اغتشاش؛

۴. اجتماعی شامل نوسان ضریب نفوذ سلبریتی‌ها، پیدایی شبکه‌های اجتماعی جدید، اختلافات قومیتی - مذهبی و حقوق زنان؛

۵. روابط بین‌الملل شامل مذاکره، تحریم، معاهدات بین‌الملل و تحولات و مناقشات کشورها خصوصاً کشورهای همسایه و تأثیر آن بر داخل.

در گام بعد، چارچوب تحلیلی هر کدام از پیشران‌ها و تحولات آن‌ها تا روز انتخابات مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه با فراتحلیل نظرات نخبگان، عدم قطعیت‌های کلیدی پیشران‌ها واکاوی شده و براساس آن، چارچوب سناریوهای میزان مشارکت استخراج شده است. در میان روش‌های آینده‌پژوهی، روش سناریونویسی جایگاه ویژه‌ای دارد که در مطالعه آینده

1. Political
2. Economical
3. Social
4. International relation
5. Health

و فرآیند مدیریت راهبردی اهمیت خاصی دارد. در رویکرد پست مدرن که رفته رفته بر علم مدیریت غالب می شود، راهبرد چون یک کولاژ است. کولاژ استعاره مناسبی برای نمایش یک سناریو است که ترکیبی از روندها، اقدامات، تصورات و رویدادها است. در کتاب آینده نگاری تکنولوژی در تعریف سناریو آمده است «یک سناریو ابزاری برای تحلیل سیاست و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت ها، نیازها و ارزش های برتر آینده است. یک سناریو، تنها پیش بینی یک آینده خاص نیست بلکه توصیف همه احتمالات است. در واقع سناریو تصویری از آینده ممکن و محتمل است.»

در نگاه پست مدرن به جای راهبردهای مشخص که مناسب شرایط تعریف شده است، نیاز به دامنه های منعطف و ترکیبی برای عمل است و این نیاز را با سناریونویسی می توان به خوبی پاسخ داد. سناریوها به عنوان بستری برای خلق راهبردهای گوناگون هستند که هر کدام می توانند متناسب با شرایط و اقتضائات گوناگون پدید آیند (لیندگرن^۱ و بند هولد^۲، ۲۰۰۳).

یافته های پژوهش

الف) چارچوب تحلیل پیشرانها

در این بخش هر یک از پیشرانها ذیل بخش های تفکیک شده محیطی مورد بررسی قرار گرفته و روند تحولات هر یک از این پیشرانها تا روز انتخابات تبیین شده است.

۱- اقتصادی - رفاهی

یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر کنش سیاسی مردم در انتخابات، وضعیت اقتصادی آنان خواهد بود. وضعیت اقتصادی، می تواند مردم را به سمت صندوق رأی سوق دهد یا اینکه آنان را از حضور در انتخابات بر حذر دارد و حتی سطح انتظارات آنان را در انتخابات تعیین کند. باید توجه داشت یک اصل جدی در انتخابات خصوصاً انتخابات ریاست جمهوری ایران، فهم معیشتی

1. Lindgren
2. Bandhold

از انتخابات است و مردم در زمان انتخابات محور اقتصاد را فارغ از آرمان و ایدئولوژی، ایده فرهنگ و سیاست درک می‌کنند؛ پس نباید نگاه ایدئولوژیک را به کنش سیاسی مردم ایران در انتخابات تسری داد خصوصاً آنکه رأی‌دهندگان ایدئولوژیک در انتخابات‌ها بخش اندکی از رأی‌دهندگان را دربرمی‌گیرند.

ارز و طلا

در سال ۹۹، قیمت ارز و طلا روند افزایشی داشته و به تعبیری ارز و طلا، ریاست جمهوری ترامپ را پیش‌خور کرد. از ابتدای سال ۹۹ قیمت دلار از ۱۵ هزار تومان به بالای ۳۰ هزار تومان تغییر یافت و با آمدن بایدن و امیدواری‌هایی که در میان مردم به‌وجود آمد - مبنی بر بازگشت دولت آمریکا به برجام و رفع تحریم‌ها - قیمت ارز بار دیگر روند ریزشی پیدا کرد؛ اما از آنجا که دولت در تلاش است اعتبار خود را درباره برجام بازگرداند پس هم‌چنان بر برجام تأکید خواهد نمود و هر روندی که به بهبود تصویر برجام در افکار عمومی کمک کند راه‌گیزی برای خود می‌پندارد. دولت برای این اقدام تلاش خواهد کرد تا هم‌چنان روند شرطی شدن مردم به تعاملات خارجی را پررنگ نگه‌دارد و مهم‌ترین راه‌کار این هدف، قیمت ارز و طلا خواهد بود. او هم‌چنان بر نوسان قیمت ارز و طلا مبتنی بر اتفاقات بین‌الملل و راه‌کارهای خویش برای تعامل با غرب تأکید خواهد نمود.

تورم

یکی از مهم‌ترین عوامل تورمی در کشور افزایش نقدینگی است. دولت دوازدهم در سال‌های اخیر نقدینگی کشور را چند برابر کرده و اکنون به عددی بیش از ۳ هزارهزار میلیارد تومان رسانده است.

اما از پایان اسفند تا روز انتخابات ۱۴۰۰ روند تورمی در جمهوری اسلامی ایران چه روندی را طی خواهد کرد؟ به‌نظر می‌رسد با توجه به افزایش نقدینگی هم‌چنان روند تورمی ادامه داشته باشد خصوصاً اینکه سال ۱۴۰۰ حقوق مصوب برای کارمندان و کارگران افزایش خواهد داشت و همین امر روند افزایشی تورم را تسریع می‌کند؛ لذا به‌تناسب بالارفتن تورم در سال آینده، اقبال

مردم برای مشارکت را تحت تأثیر خواهد گذاشت.

کمبود اقلام اساسی

در ماه‌های اخیر رسانه‌های بیگانه و سوءمدیریت ساختارهای اجرایی دست به دست هم داده تا به نحوی اقلام اساسی زندگی مردم را با مشکل مواجه سازند و به تناسب آن نارضایتی آنان را از نظام بیشتر نمایند.

کمبود اقلام اساسی مؤلفه‌ای است که حیثیت جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار داده و از آنجا که دولت دوازدهم تاکنون نتوانسته در مقابل چنین چالشی ایستادگی کند، پس می‌توان پیش‌بینی کرد از طرف دشمن این چالش در روزهای منتهی به انتخابات بارها تکرار شود.

بورس

سال ۹۹ سال بسیار ناگواری برای سرمایه‌گذاران در بورس بود. باید تأکید کرد سقوط بورس هم‌زمان با سخنی از رئیس‌جمهور درباره بورس بود.^۱ در این شرایط مردمی که سرمایه خود را از دست داده‌اند منتظرند تا به نحوی سرمایه خود را از بورس - بخوانید نظام - پس بگیرند. حال با اوصاف ذکر شده به نظر می‌رسد از آنجا که دولت می‌خواهد نماینده خود را به عنوان نماینده مطلوب معرفی کند یا اینکه در پایان دولت خویش، خاطره خوشی را در اذهان به وجود آورد، بورس بهترین ابزار خواهد بود.

۲- زیستی - بهداشتی

مؤلفه مورد بررسی در عرصه زیستی - بهداشتی موضوع کرونا است. درباره کرونا دو موضوع قابل بحث بوده؛ الف) اوج‌گیری مجدد کرونا و ب) مسأله واکسن کرونا.

اوج‌گیری مجدد کرونا

انتخابات ۱۴۰۰ در ۲۸ خردادماه برگزار می‌شود. پیش از انتخابات به طور رایج به مدت یک

۱. حسن روحانی در جلسه هیئت دولت بیان کرد «مردم بدانند سکه و دلار جای سرمایه‌گذاری نیست بلکه بورس و خرید نفت جای سرمایه‌گذاری است و می‌خواهیم از طریق مطمئن به مردم کمک کنیم.» جلسه هیئت دولت، ۲۲ مرداد ۱۳۹۹

ماه نامزدها به سفرهای تبلیغاتی رفته و درعین حال طرفداران آنان نیز با تجمعاتی سعی در به‌رخ‌کشیدن کمیت خود به سایر طرفداران نامزدها دارند اما با توجه به وحشتی که کرونا از هم‌نشینی‌ها و تجمعات در دل مردم ایجاد کرده، می‌توان پیش‌بینی کرد جلسات سیاسی و حزبی محدود شده، جلسات علمی و آموزشی تشکل‌ها تقریباً تعطیل شده و همفکری و تبادل آرا و افکار به گونه‌ای که بتواند شور انتخاباتی را میان نخبگان ایجاد کند، محقق نمی‌شود. هم‌چنین از آنجا که مردم جرأت نمی‌کنند دورهم جمع شوند و به تبادل نظر بپردازند، فضای سیاسی سرد خواهد شد و نیز با توجه به عدم برقراری امکان سفرهای استانی و جلسات تبلیغاتی، تنور انتخابات گرم نخواهد شد^۱ و تنها در این شرایط باید به صداوسیما و فضای مجازی برای رغبت مردم به مشارکت متوسل شد. مهم‌تر آنکه با ایجاد مشکلات معیشتی در اثر همه‌گیری کرونا مردم نیز چندان امیدیه به صندوق رأی برای تأمین معیشت خود نداشته؛ لذا رغبتی به مشارکت نخواهند داشت.

در روز رأی‌گیری نیز از آنجا که ازدحام برای رأی‌گیری امر رایجی است، پس مردم از ترس گرفتار شدن به بیماری کرونا تمایلی به حضور برای رأی‌دادن نداشته و مسلماً همین موضوع بسیاری را از حضور بر سر صندوق رأی باز خواهد داشت.^۲

مسأله واکسن کرونا

تاکنون از سوی رسانه‌های بیگانه عملیات گسترده‌ای علیه موضع‌گیری مقام رهبری نسبت واکسن آمریکایی و اروپایی صورت گرفته است. این رسانه‌ها به شدت جمهوری اسلامی ایران را در حمایت از ملت خود برای به‌دست آوردن واکسن مورد هجوم قرار داده‌اند و به دلایل مختلف از جمله تحریم، Fatf، بی‌اهمیت بودن مردم برای دولت و ... سعی در ناکارآمد نشان دادن نظام جمهوری اسلامی داشته‌اند. این رسانه‌ها با تحقیر تلاش ایران برای تولید واکسن ملی و نیز تولید واکسن مشترک با کوبا و تلاش ایران برای واردات واکسن از روسیه و چین، مردم را در

۱. جلال جلالی زاده؛ کرونا بر انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ تأثیر خواهد داشت.

۲. جمال عرف؛ پیش‌بینی جمال عرف از میزان مشارکت مردم در انتخابات ۱۴۰۰/ تنها یک‌سوم افراد گفتند قطعاً رأی می‌دهند.

مواجهه با حاکمیت در نوعی استیصال معرفی کرده و آنان را ناچار به تن دادن به سیاست‌های نادرست نظام جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهند. حال مطابق مطالب فوق با بالارفتن کشته‌شدگان کرونایی، مواجهه مردم با نظام نیز منفی‌تر خواهد شد. در این شرایط چنانچه متخصصان ایرانی همان‌طور که پیش‌ازاین اعلام کرده‌اند بتوانند واکسن ایرانی را به تولید عمده برسانند یا دولت جمهوری اسلامی موفق شود سایر واکسن‌های مؤثر را به کشور وارد کند، معادلات تغییر می‌کند.

۳- سیاسی - امنیتی

عامل مؤثر دیگر برکنش سیاسی مردم ایران در انتخابات و حضور آنان در انتخابات مؤلفه سیاسی - امنیتی است. مؤلفه سیاسی - امنیتی تبعی و در ذیل عامل مؤثر اقتصادی - معیشتی قرار داشته و از آنجاکه می‌تواند بر اقتصاد ایران در چند ماه اخیر تأثیر گذارد، در مسأله پژوهش اخیر قابل اهمیت خواهد بود. البته ممکن است رخدادی عمیق در این چند ماه به وقوع بپیوندد که فراتر از بعد اقتصادی بوده و آن آشوبی وسیع و گسترده است؛ آشوب می‌تواند یک تحول شگرف را در رفتار نظام و نیز مردم به‌وجود آورد و قطعاً برای مسیبان آن نیز هزینه‌ای سنگین به همراه خواهد داشت. در ادامه عامل سیاسی - امنیتی را ذیل مؤلفه‌های آشوب و اغتشاش مورد بررسی خواهیم داد.

آشوب و اغتشاش

در حال حاضر تا انتخابات ریاست جمهوری اسلامی با توجه به وضعیت اقتصادی که پیش‌ازاین ذکر شد زمینه‌های نارضایتی در توده مردم وجود دارد اما از آنجاکه نسبت به تغییر رئیس‌جمهور در ماه‌های آینده و پایان ناکارآمدی حاصل از دولت روحانی نوعی امیدواری میان مردم ایجاد شده پس‌زمینه برای آشوب گسترده در کشور کاهش یافته است.

۴- اجتماعی - فرهنگی

جامعه ایران متشکل از اقوام و مذاهب مختلف بوده که مجموعاً توانسته هویت ایرانی را

تشکیل دهد؛ اما هم‌چنان شکاف‌های سنتی در جامعه وجود داشته و بنابه شرایط مختلف این شکاف سر برمی‌آورد. علاوه بر ساختار اجتماعی سنتی، با توجه به تکنولوژی‌های جدید و سبک زندگی نوین مدرن، شکاف‌ها و چینش‌های جدیدی در ساختارهای اجتماعی جامعه ایران - و البته همه کشورهای مدرن - به وجود آمده است. از میان عوامل مؤثر بر مؤلفه اجتماعی - فرهنگی که بر مشارکت سیاسی نقش دارند، به موارد نقش سلبریتی‌ها، شبکه‌های اجتماعی، اختلافات قومیتی و مسأله حقوق زنان پرداخته خواهد شد.

ضریب نفوذ سلبریتی‌ها

سلبریتی‌ها در سال‌های اخیر در حوزه سیاست نقش خود را توسعه داده و سعی دارند به‌نحوی این نقش را تثبیت نمایند. سلبریتی‌ها پیش از سال ۹۲ نامزد انتخابات‌های مختلف شده و خصوصاً در انتخابات‌های شوراهای شهر دهه ۸۰ پیروز میدان رقابت بودند؛ اما از دهه ۹۰ نقش مستقیم خود را تغییر داده و از آن زمان در جایگاهی متفاوت ایفا نقش نمودند؛ آن‌طور که به حمایت یا رد یک نامزد می‌پرداختند. سلبریتی‌ها در انتخابات سال ۹۲ و به‌صورت پررنگ‌تر در سال ۹۶، کمپین‌های تبلیغاتی حسن روحانی را پررونق کرده و به شکلی ائتلافی موجی از تبلیغات را برای حسن روحانی رقم زدند، به طوری که قاطبه سلبریتی‌ها طرفدار حسن روحانی معرفی شده و همین موضوع مایه فخر روحانی و سرافکنندگی رئیسی در افکار عمومی شد.

البته لازم به ذکر است سلبریتی‌ها اکنون در حوزه سیاست بیشتر موضع‌گیری‌های کلان داشته و درباره حیثیت جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری سلبی دارند و در این حوزه به منفی‌بافی می‌پردازند. آنان با توجه به فضای منفی افکار عمومی نسبت به انتخاب نادرست ریاست جمهوری ۹۶، از ترس عدم اقبال، خود را در سیاست درگیر مسائل لیستی و جناحی نکردند؛ آن‌چنان‌که در انتخابات مجلس شورای اسلامی سال آنان هیچ موضعی را حتی درباره عدم انتخابات از خود نشان ندادند و به یک‌باره در سکوت رسانه‌ای به‌سر بردند. نکته دیگر درباره موضع‌گیری‌ها و اظهارنظر سلبریتی‌ها آن‌که آنان به طور مستقل، موضع سیاسی ندارند و معمولاً در حاشیه منافع برخی احزاب خصوصاً احزاب اصلاح‌طلب به موضع‌گیری می‌پردازند.

شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی زمینه‌ساز عملیات روانی جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی کشور بوده و امکان موج‌سازی و هدایت افکار عمومی جامعه را دارند؛ به گونه‌ای که تلفیق سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها با شبکه اجتماعی می‌تواند حرکتی را درباره موضوعی خاص از جمله فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در رفتار مردم ایجاد کند. در حال حاضر در کنار پیام‌رسان‌های داخلی، تلگرام هم‌چنان در حال فعالیت بوده و در کنار آن‌ها اینستاگرام با محبوبیت بالایی که در میان توده جامعه ایران دارد و نیز توییتر با مخاطبین نخبگان جامعه ایران، مجموعاً شبکه‌های اجتماعی را در ایران تشکیل می‌دهند.

در روزهای اخیر به یک‌باره نزدیک به ۴ ماه تا انتخابات یک پیام‌رسان جدید - به نام کلاب‌هاوس - در میان جامعه ایران سر باز می‌کند. این پیام‌رسان یک تفاوت بنیادین با سایر پیام‌رسان‌ها دارد و آن صوتی و زنده بودن ارتباط میان مخاطبین است؛ در حالی که پیام‌رسان‌های پیشین صوتی نبوده یا صوت‌های تبادل شده به صورت زنده نیستند. در این پیام‌رسان ملاحظه می‌شود با برقراری مباحث جنجالی، سایت‌ها و توییتر را نیز به لحاظ محتوایی تغذیه نماید و به نظر می‌رسد با توجه به اقبال گسترده توده‌ها و نخبگان به این پیام‌رسان، بتواند عاملی برای بسیاری از رخ‌دادهای انتخاباتی ریاست‌جمهوری در ماه‌های آینده باشد. لازم به ذکر است با توجه به وجود کرونا، امکان برگزاری کمپین‌های مرسوم گذشته چندان ممکن نباشد و این پیام‌رسان بتواند جایگزینی برای تشکیل کمپین‌های نوین شود و از این جهت مصائبی که کرونا بر مشارکت در انتخابات به وجود آورده را تا حدی جبران نماید.

اختلافات قومی - مذهبی

اختلافات و شکاف‌های قومیتی - مذهبی از قدیم‌الایام در سرزمین ایران وجود داشته و بسیاری اوقات دست‌آویزی برای برهم‌شکستن هویت ایرانی بوده است. این مسأله در انتخابات پررنگ شده به طوری که هر یک از اقوام با به رخ کشیدن تعدد نفرات خود برای طرفداری از نامزدها، به سهم‌خواهی پرداخته و از آنان می‌خواهند پس از انتخابات و پیروزی نامزد مدنظر، جایگاه رفیعی

را برای آن قوم و یا مذهب قرار دهند.

مسئله حقوق زنان، آزادی حجاب

یکی از مهم ترین شعارهایی که جریان‌های ضدانقلاب در سال‌های اخیر سر می‌دهند، شعار حقوق زنان است که البته بر محور آزادی حجاب استوار بوده و از این ره‌گذر به دنبال آن هستند که مانع از حضور زنان در انتخابات و سایر شئون مشارکت سیاسی شوند.

۵- روابط بین‌الملل

در حوزه بین‌الملل از جمله عواملی که می‌تواند بر مشارکت مردم تأثیر گذارد، موضوع مذاکرات برجامی، تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی و نیز توافق‌نامه‌هایی است که دولت ایران با سایر کشورها برقرار می‌کند و هویت ایرانی یا معیشت مردم را تحت تأثیر قرار دهد. هم‌چنین موضع‌گیری‌های ایران نسبت به وقایع بین‌المللی که اقوام و مذاهب داخلی را متأثر سازد نیز خواهد توانست در میان افکار عمومی کنشی را ایجاد نماید. از میان توافق‌نامه‌های ایران به توافق‌نامه ایران و چین اشاره خواهد شد که توانسته افکار عمومی را به خود جلب کند و سلبریتی‌ها و نخبگان را به موضع‌گیری وادار نماید و از وقایع مهم اخیر، جنگ قره‌باغ است که عقبه این جنگ توانست اقلیت مسیحیت و قوم آذری را در کشور درگیر سازد.

مذاکره

دولت حسن روحانی در دوران تصدی خویش تنها راه کار رفع مشکلات کشور را در مذاکره خلاصه کرد. او سعی نمود اذهان مردم را چنین شرطی کند که بهبود شرایط کشور با موفقیت مذاکرات رقم خواهد خورد. قرائن نشان می‌دهد این شرطی‌سازی در ماه‌های اخیر تا انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم با قوت ادامه خواهد یافت و حتی با شدت بیشتر دنبال خواهد شد. کشورهای غربی نیز این مسئله را متوجه شده و سعی دارند در مواجهه با دولت حسن روحانی طبق نظریه چماق و هویج، کارگزاران این دولت را در برزخی از موفقیت و شکست قرار دهند.

تحریم

بایدن با توجه به عقبه حزب دموکرات خود، برای تحت فشار قراردادن کشورهای متعارض،

در حوزه سیاسی خارجی تغییرات شگرفی را نسبت به ترامپ خواهد داشت؛ آن‌چنان‌که شیوه مواجهه دولت بایدن با کشورهایمانند ایران، ونزوئلا و ... متفاوت بوده و مطابق با ایده‌های حزب دموکرات، مبتنی بر حقوق بشر خواهد بود و تلاش خواهد کرد از این طریق افکار عمومی جهانی را با خود همراه ساخته و با دست‌آویز قراردادن موضوعات حقوق بشری از جمله آزادی زنان، آزادی بیان، تحریم و ...، سایر کشورها را تحت فشار قرار دهد و در صورت لزوم آنان را تحریم کند. علاوه بر آن دولت بایدن در طول مناظرات انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا، دائماً روند برهم‌زننده معاهدات بین‌المللی دولت ترامپ را موردنقد قرار داد و اظهار داشت در صورت پیروزی به معاهداتی که ترامپ آنان را نقض کرده است بازگردد.

در این شرایط تحریم‌ها از سوی امریکا می‌تواند از دو جهت در مشارکت مردم در انتخابات مؤثر باشد؛ از سویی از آنجا که تحریم‌های امریکا در مهم‌ترین مسأله مشارکت یعنی عوامل اقتصادی نمی‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد پس نفس تحریم‌ها تأثیری بر مشارکت نخواهد داشت؛ اما از سوی دیگر از آنجا که مواجهه دولت بایدن با جمهوری اسلامی در ابتدا در اذهان غیر خصمانه معرفی شده و نوعی امیدواری را برای پیروزی او در میان مردم ایران ایجاد کرد، پس اعمال تحریم‌های جدید تا حدی امیدواری مردم را در دوره بعدی تقلیل خواهد داد و می‌توان انتظار داشت اعمال تحریم‌های جدید، مشارکت مردمی را کاهش دهد؛ اما همان‌طور که ذکر شد این تأثیرپذیری، در مشارکت چندان نخواهد بود.

ب) جمع‌بندی عدم قطعیت‌های کلیدی و چارچوب سناریوها

فرا تحلیل نظریات نخبگان نشان می‌دهد مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ بر دو محور رقابت در سایه امید و معیشت برای تداوم رفاه مبتنی خواهد بود. در نگاه آنان منظور از رقابت در سایه امید، (۱) شکل‌گیری گفتمان‌ها و آرایش نیروهای سیاسی، (۲) احساس به حاکمیت در میان احزاب و جریان‌ها و جایگاه مردم در سرمایه اجتماعی و (۳) معیشت برای تداوم رفاه برآمده از مؤلفه‌های محیطی بوده است.

عدم قطعیت‌های کلیدی از تحلیل، تجزیه و تلفیق پیشران‌های دارای عدم قطعیت به دست

می‌آیند. پیش از تلاش برای تلفیق پیشران‌ها باید توجه داشت که آن‌ها تعریف‌کننده مشکلات و راه‌کارها هستند. این که مشارکت مردم و حضور آن‌ها در انتخابات ۱۴۰۰ افزایش یا کاهش یابد، بستگی به عواملی دارد که در پیشران‌ها بدان اشاره شد و می‌بایست مهم‌ترین عوامل شناسایی و چارچوب سناریو در نسبت با آن‌ها تدوین شود.

از یک سو با بررسی عدم قطعیت‌های موجود که بخشی از آن‌ها توسط فراتحلیل نظرات نخبگان احصا و استخراج شده است و از سوی دیگر با بررسی روندهای موجود در جامعه و فضای اجتماعی، این جمع‌بندی حاصل می‌شود که عدم قطعیت‌های کلیدی پوشش‌دهنده سایر عدم قطعیت‌ها، دو عامل "امید و معیشت" هستند؛ به این معنا که هر کدام از پیشران‌های فوق‌الذکر، می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر امید اجتماعی و هم‌چنین بر بهبود یا بدترشدن وضعیت معیشت جامعه داشته باشد. در این صورت با افزایش امید، آحاد جامعه به سمت صندوق‌های رأی راغب خواهند شد، در حالی که کاهش امید موجب رخوت و بی‌انگیزگی، هم در سطوح جامعه و هم در سطوح احزاب و گروه‌های سیاسی شود و مشارکت سیاسی را به شدت تقلیل دهد؛ به نحوی که احزاب و جریان‌های سیاسی را از رقابت بازداشته و به سمت عدم حضور در انتخابات گسیل دهد.

هم‌چنین وضعیت معیشت به عنوان عدم قطعیت اصلی و عامل کلیدی می‌تواند سبب افزایش یا کاهش مشارکت در انتخابات شود، به گونه‌ای که با بهبود معیشت، فضای انتخاباتی پرشورتر شده و جمع‌بندی نخبگانی سمت رقابت بیشتر در انتخابات سوق داده خواهد شد؛ بنابراین دو عدم قطعیت کلیدی اصلی که تا زمان انتخابات خود را نمی‌تواند به صورت شفاف و کاملاً آشکار مشخص و معین نماید، دو عامل معیشت و امید است که سازنده و تعیین‌کننده چارچوب سناریو خواهد بود

با این توصیف، تعداد عدم قطعیت‌ها به دو مورد کاهش می‌یابد:

۱. میزان امید اجتماعی به تغییر در آینده کشور و
۲. اصلاح وضعیت معیشت (بهبود یا تضعیف توان اقتصادی کشور و مردم)؛

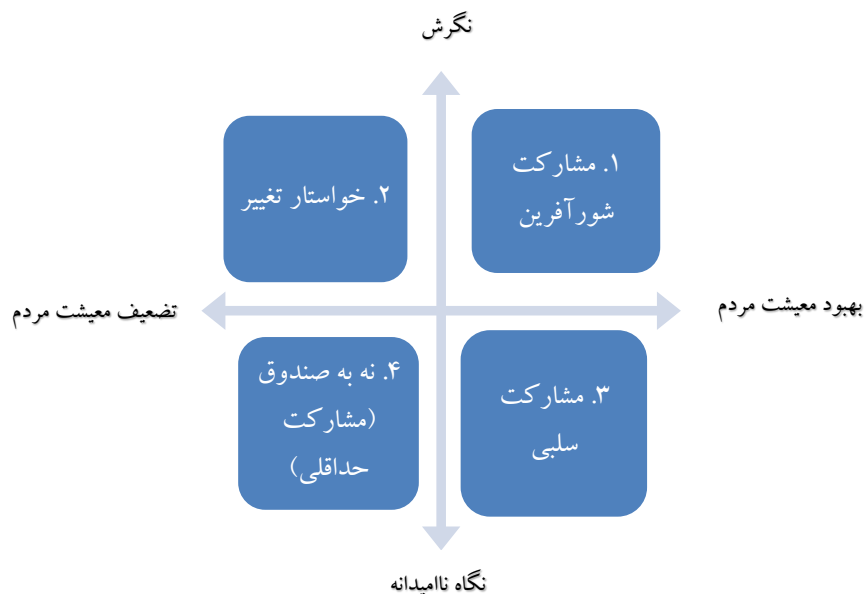
جدول ۱. ارتباط اصلی میان دو عدم قطعیت کلیدی با عدم قطعیت‌های فرعی

عدم قطعیت کلیدی	عدم قطعیت‌های فرعی
مطالبه اساسی مردم؛ وضعیت معیشت	رقابت بین جریان‌های سیاسی و بازیگران بهبود یا تضعیف معیشت بهبود یا تضعیف بورس وضعیت ارز و طلا وضعیت تورم و گرانی کمبود اقلام اساسی اوج گیری مجدد کرونا مسأله واکسن کرونا آشوب و اغتشاش ضرب نفوذ سلبریتی‌ها تقویت یا فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی اختلافات قومیتی - مذهبی مسأله حقوق زنان و آزادی حجاب اخبار امیدوارکننده یا مأیوسانه از مذاکره وضعیت تحریم‌های غرب علیه جمهوری اسلامی اخبار مربوط به توافق‌نامه ایران و چین
نگرش امیدوارانه مردم نسبت به آینده کشور	

ج) سناریوهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

سناریوهای وضعیت آینده انتخابات ریاست جمهوری به صورت اکتشافی و به لحاظ جنبه‌های شناختی به دست آمده است. پیشران‌های پیش گفته در سند پشتیبان در اختیار خبرگانی از حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار داده شد و مطابق دو مؤلفه «اهمیت» و «عدم قطعیت» مورد بررسی قرار گرفتند. سپس داده‌های حاصله به تیم پژوهشی نشان داد که دو پیشران «وضعیت معیشت» و «امید و ناامیدی» به ترتیب راهبردی‌ترین متغیرهای این پژوهش بوده که سرنوشت میزان مشارکت و جهت مشارکت از حیث جریان‌های سیاسی را تشکیل می‌دهند. بر این اساس انتخابات

آینده‌ازمنظر میزان مشارکت، ۴ سناریوی ذیل خواهد بود که به تفصیل توضیح داده شده و در پایان به جدول راهنمای آن اشاره خواهد شد:



شکل ۱.۴ سناریوی مشارکت در انتخابات آینده

در ادامه هر کدام از سناریوها (تیین و توصیف به همراه راهبرد) به تفصیل توضیح داده می‌شود:

سناریوی اول: مشارکت شورآفرین

در این سناریو دولت توانسته است با شرطی‌سازی جامعه نسبت به موضوع مذاکره، ثبات نسبی قیمت‌ها را در اذهان عمومی شکل دهد. علاوه‌بر ایجاد ثبات نسبی در بازار، قیمت کالاهای سرمایه‌ای مثل ارز، طلا، مسکن و خودرو را کنترل کرده و درک شناختی مردم این است که قیمت اقلام اساسی، به ثبات موقت و نسبی رسیده است. این توانایی یا جنبه عینی دارد یا مبتنی‌بر روش‌های ادراکی و روانی است که به‌عنوان مثال جامعه را در حال تعلیق مذاکره و رابطه با آمریکا را به‌سمت ثبات نسبی و مقطعی فرومی‌برد یا اینکه با بهره‌مندی از ابزارهای اقتصادی و نظارتی

می تواند بر این مهم فائق آید.

این اتفاق، با افزایش امید به عنوان یک پیشران قدرتمند همراه بوده و کنترل قیمت ها (در اذهان عمومی) به دلیل تأثیر سیاست خارجی دولت یا نهادهای نظارت بر بازار، توانسته در میان مردم امید ایجاد کرده و انتظار بروز تورم بیشتر و آشفتگی اقتصادی را برای مدتی از بین ببرد. در این شرایط وضعیت شکننده ای از امید و ثبات اقتصادی به وجود می آید که می توان با آن، از مقطع انتخابات عبور کرد.

با افزایش امید، احتمالاً سطح همکاری مردم با دولت در اجرای پروتکل ها را تقویت شده و با ایجاد فهم و ادراک جمعی از توانمندی حاکمیت در مقابل کرونا، تأثیر منفی کرونا بر مشارکت کاسته خواهد شد. در واقع کرونا به یک عامل اعتمادساز تبدیل می شود؛ اتفاقی که در انتخابات ۲۰۲۰ شهرداری ها در فرانسه رخ داد و مشارکت در مناطق قرمز کرونا نسبت به مناطق زرد و سبز افزایش پیدا کرد.

با افزایش امید در کشور که قطعاً منجر به افزایش مشارکت خواهد شد، شبکه های اجتماعی و سکوهای رسانه ای - شناختی دشمن تلاش می کنند تا راهبرد جهت دهی به مشارکت به سمت کاندیداهای غیرانقلابی، سوق دهند.

مسأله دیگری که در این سناریو می بایست مدنظر باشد آن است که در صورتی که اقدامات، طرح ها و تصمیمات مجلس شورای اسلامی تا مقطع زمانی انتخابات اثری در اقتصاد و معیشت عمومی نداشته باشد؛ اما دولت بتواند با اراده خود فضا را کنترل کند، می توان از سرخوردگی نسبی مردم نسبت به این مجلس سخن گفت؛ امری که در میزان مشارکت و بیشتر در اقبال به انقلابیون نقش خواهد داشت. در نگاه مردم، عامل اصلی بهبود معیشت دولت با رویکردهای غیرانقلابی است. در واقع امید پیش آمده در جامعه به سود جریان غیرانقلابی خواهد بود.

سناریوی دوم: خواستار تغییر

مشارکت با ایده «خواستار تغییر» از آنجا شکل می گیرد که تضعیف وضعیت معیشت سبب تشدید تورم و افزایش قیمت کالاهای سرمایه ای و اساسی شده و معیشت مردم در وضعیت

نامناسب قرار می‌گیرد؛ اما با این وجود مردم به دلایل دیگری مثل نقش آفرینی سایر ارکان نظام هم چون مجلس و قوه قضاییه یا ایجاد شور و نشاط انتخاباتی و رقابت میان احزاب و جریان‌ها، هم‌چنان تغییر برای بهبود وضعیت زندگی خود را در چارچوب جمهوری اسلامی ایران جست‌وجو می‌کنند. این سناریوی تعارضی در کنش انتخاباتی مردم مشاهده می‌شود به طوری که از یک سو وضعیت معیشت مردم رو به وخامت بوده و مردم در تنگنا زندگی می‌کنند در حالی که از سوی دیگر امیدوار به تغییر در چارچوب نظام بوده و تمایل به شرکت در انتخابات دارند. پس می‌توان پیش‌بینی کرد در صورت تحقق این وضعیت مشارکت مردم نه به اندازه سناریوی اول اما در مجموع به شکلی رضایت‌بخش انجام می‌گیرد.

در این سناریو وضعیت روندهای محیط هیچ کدام سمت و سوی مثبتی نداشته، به گونه‌ای که در حوزه اقتصاد روند کاملاً منفی بوده و امریکا نیز با وجود تمام شعارهای تبلیغاتی دولت بایدن، به برجام بازنگشته و به دنبال سهم‌خواهی بیشتر است. به تبع این اتفاق جامعه به بهبود معیشت از طریق بازگشت به برجام تردید پیدا می‌کند. البته دولت بایدن به طور کامل مسیر بازگشت به برجام را مسدود اعلام نکرده و به نحوی به دنبال اضافه کردن برخی شرایط به برجام است. تورم به علت افزایش نقدینگی، مشابه سال ۹۹ بیش از ۳۰ درصد بوده و وضعیت معیشت رو به وخامت می‌رود. مجموع عدم توافق بر سر برجام و افزایش نقدینگی سبب افزایش نرخ ارز و طلا شده و باعث می‌شود نرخ فلاکت در کشور رو به فزونی گراید.

در چنین وضعیتی ضریب نفوذ سلبریتی‌ها به علت شکست دولت حامی‌شان به شدت کاهش می‌یابد و سبب می‌شود برای مدتی از اظهار نظر سیاسی دست کشند. هم‌چنین به علت تضعیف وضعیت معیشتی، مسائلی مانند حقوق زنان و آزادی مطرح نخواهد شد و شبکه‌های اجتماعی تنها اخبار سرگردانی را دنبال می‌کنند؛ چراکه وضعیت گفتمانی خاصی بر کشور غالب نخواهد بود و ترجیح مردم به دولتی عمل‌گرا برای بهبود معیشت گرایش می‌یابد و مردم چنین می‌انگارند چنانچه در کنار مجلس انقلابی و قوه قضاییه کارآمد، یک دولت عمل‌گرا که چندان نگاهی به رفع مشکلات از سوی غرب ندارد بر سر کار بیاید، مشکلات معیشتی ۱۰ سال اخیر

برطرف خواهد شد.

از طرف دیگر به علت کارآمدی سازمان‌های حاکمیتی در مواجهه با کرونا و حتی اقدامات مؤثر در کاهش مبتلایان و حرکت به سوی واکسیناسیون، امید مردم به حکومت و تأمین نیازمندی‌های آنان در سایه حکومت به شدت افزایش می‌یابد. این وجه از امیدواری چنانچه در مقایسه با ناکارآمدی کشورهای همسایه و نیز کشورهای غربی جلوه کند، اثرگذاری بیشتری نیز خواهد یافت.

در خصوص آرایش‌های انتخاباتی باید گفت که در جریان مدافعان دولت روحانی دو جریان اصلی وجود دارد؛ یک جریانی که با تمام قوا معتقد به حمایت از دولت روحانی است و جریان دیگری که معتقد به مرزگذاری بین خود و دولت روحانی است تا خود را از آسیب‌های دولت روحانی حفظ کند. این دو جریان خود را به دو شکل در برابر یکدیگر قرار می‌دهند.

به لحاظ کیفیت مشارکت سیاسی، بدنه اجتماعی مخالفان دولت از انگیزه و اهتمام بیشتری برای مشارکت در انتخابات برخوردارند. اولاً به دلیل کنار گذاشتن دولت روحانی و ثانیاً از آن خود کردن دولت جدید و تحقق خواسته‌هایشان؛ اما اتفاقاً بدنه اجتماعی موافقان دولت روحانی عمدتاً به دلیل وضعیت دولت روحانی و نارضایتی اساسی جامعه از آن، از انگیزه و تمایل کمتری برای حضور در انتخابات برخوردارند.

با توجه به شرایط ساختاری می‌توان گفت کسانی که به نوعی بتوانند با منطق هم‌نشینی، گفتمان خود را صورت‌بندی کنند یا در درجه دوم بتوانند گفتمان عدالت را نمایندگی و در جناح مخالف دولت و وضع موجود خود را تعریف کنند، پایگاه اجتماعی ایدئولوژیک داشته باشند و یکی از دو طرف شکاف‌های اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی را به طور اساسی به صحنه انتخابات فراخوان کنند، شرایط ساختاری بهتری برای پیروزی در انتخابات دارند.

در سناریوی خواستار تغییر، همان‌طور که در بیان رویه‌های محیطی ذکر شد، مردم هنوز به آینده نظام امیدوار بوده؛ لذا نوع مشارکت آنان ایجابی خواهد بود. در این مشارکت ایجابی، به طور قطع رأی‌دهندگان ایدئولوژیک در انتخابات حاضر خواهند شد و تلاش خواهند کرد

گزینه‌ای که بیشترین قرابت را با ایده‌ها و آرمان‌های آنان دارد، انتخاب کنند. علاوه بر رأی ایدئولوژیک، برخی از طیف‌های قشر خاکستری که تمایل بیشتری به طیف انقلابی دارند نیز در انتخابات حاضر شده و گزینه عمل‌گرایی که به رفع کمبودها و مشکلات معیشتی کمک می‌کند را انتخاب می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان پیش‌بینی کرد که ممکن است مشارکت سیاسی در انتخابات در یک حد ایده‌آل نباشد اما با توجه به نکاتی که گفته شد می‌توان از مشارکت احتمالی بالای ۵۰ درصد سخن گفت.

سناریوی سوم: مشارکت سلبی

در این سناریو عملکرد دولت به‌ویژه در بخش اقتصادی، به‌گونه‌ای است که قیمت‌ها کنترل شده او عملاً می‌توان بهبود معیشت مردم را نسبت به چند ماه گذشته قابل قبول دانست؛ اما ناامیدی و یأس افزایش یافته و اثر روانی این مؤلفه بر دیگر متغیرها و بازیگران، فضای ویژه‌ای را ایجاد کرده است. در این فضا عملکرد دولت به‌سمت کاهش مشکلات اقتصادی و کنترل شرایط کشور پیش می‌رود و از نظر سیاست داخلی و خارجی، معدل مثبتی به‌دست آورده است؛ اما به‌دلیل فشار رسانه‌ای دشمن و ضعف روایت‌سازی رسانه‌های خودی، هم‌چنان ناامیدی از بهبود شرایط در افکار عمومی وجود دارد.

به‌دلیل تقویت جبهه سیاسی دولتی، نیروهای اصولگرا به‌سمت وحدت حرکت می‌نمایند؛ اما برداشت قطعی از اتحاد بر یک نفر یا حضور معدود نیروهای انقلابی در صحنه انتخابات منوط به محاسبه چپ‌نشینان نامزدهای رقیب یا همان غیرانقلابیون است. در این سناریو، نیروهای غیرانقلابی با برداشت این انگاره نادرست که «ناامیدی یعنی کاهش مشارکت و مشارکت کم یعنی پیروزی رقیب»، برای حضور در انتخابات، به‌دنبال کاندیدای واحد می‌روند تا آرای آن‌ها شکسته نشود. در واقع این تفکر در میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان نهادینه شده است که افزایش یأس و ناامیدی نتیجه‌ای جز کاهش مشارکت نخواهد داشت و این به نفع نیروهای اصولگرا است. همین موضوع می‌تواند سکوی رسانه‌ای را ترغیب نماید تا با مقصر جلوه‌دادن انقلابیون، به‌دنبال برانگیختن آرای منفی و سلبی جامعه باشند تا از این طریق احتمال رأی‌آوری آن‌ها افزایش یابد.

شبکه‌های اجتماعی در فضای این سناریو صحنه تقابل میان نیروهایی خواهد بود که هم در ایجاد هیجان به نفع گفتمان مذاکره دارند تا میزان مشارکت را به نفع نیروهای اصلاح‌طلب در انتخابات را بالا ببرند و هم سعی در القا و تشدید فضای ناامیدی و بن‌بست ظرفیت‌های داخل کشور دارند. فضای شبکه‌های اجتماعی در رأی‌دادن به گزینه حداقلی اصلاح‌طلبان و ناامید کردن جامعه از ظرفیت‌های داخل کشور و درعین حال امیدوار کردن جامعه به حل مسائل کشور از طریق مذاکره پیش خواهد رفت. نیروهای انقلابی نیز در این محیط، در قالب منتقدین دولت اما قائل به مشارکت مردمی بروز و ظهور خواهند یافت.

رسانه‌های ضدانقلاب با انجام عملیات روانی خود، سرخوردگی از مجلس انقلابی در محیطی که ناامیدی افزایش یافته است یا در حال صعود است را تشدید نموده و این اقدام، تأثیر بسزایی در ایجاد بی‌تفاوتی سیاسی خواهد داشت؛ لذا سرخوردگی از عدم کارایی مجلس انقلابی روندی است که در این سناریو به عنوان روند تعیین‌کننده در میزان مشارکت نیروهای انقلابی و گرایش آن‌ها به نامزدهای جریان انقلابی تأثیر خواهد گذاشت.

با وجود تمام اقدامات جریان انقلابی، شرایط حاکم در سناریو مذکور باعث خواهد شد طیفی از جامعه که اقبالی به شعارهای انقلابی ندارند به سمت صندوق رأی آمده و کاندیدایی را انتخاب نمایند که در ضدیت با شعارهای انقلابی اظهار نظر کرده باشد. به نظر می‌رسد ضدیت با شعارهای انقلابی در انتخابات پیش‌رو در ذیل ادبیات تعامل با غرب و چگونگی تعامل با آن صورت پذیرد؛ لذا تمام اقدامات و رقابت‌های انتخاباتی حول محور مذاکره با آمریکا و موفقیت یا عدم موفقیت برجام خواهد بود. در این شرایط رأی‌دهندگان ایدئولوژیک قطعاً در انتخابات مشارکت خواهند داشت و مشارکت حداقلی صورت خواهد پذیرفت؛ اما با توجه به تشدید دوقطبی انقلابی‌گری یا تعامل با غرب رقابت بیشتر شکل سلبی پیدا کرده و با بیشتر شدن شکاف این دوقطبی، حضور سلبی در انتخابات افزایش می‌یابد. مسلم است که در این وضعیت رسانه‌های بیگانه دست از عدم مشارکت برداشته و مردم را برای رأی سلبی و انتخاب نامزد در تعارض با شعار انقلابی تهییج خواهد نمود.

سناریوی چهارم: نه به صندوق (مشارکت حداقلی)

در این سناریو وضعیت معیشت مردم به واسطه عوامل متعدد تضعیف شده است، هم‌چنین ناامیدی و یأس افزایش پیدا کرده و منجر به بی‌تفاوتی سیاسی شده است. به‌واقع در اذهان عمومی، در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی، یک نوع ناتوانی در ارکان حاکمیت احساس شده است؛ به‌گونه‌ای که حس رهاشدگی و بی‌سرپرستی به جامعه دست داده است که عمدتاً ناشی از عملکرد دولت است. این امر در مشارکت سیاسی جامعه بروز و ظهور پیدا کرده و تبلور آن چالش بزرگی را در حوزه شناختی به‌وجود آورده است.

مردم احساس می‌کنند که دولت در ماه‌های پایانی عمر خود، رشته امور را رها کرده است و عملاً کنترل اقتصاد کشور را از دست داده و توانایی اداره کشور را ندارد. درحقیقت، این سناریو بدترین سناریو ممکن است که می‌تواند در فضای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ رخ دهد.

در حوزه اقتصادی، شرایط به‌گونه‌ای است که به‌صورت مکرر، کالاهای اساسی با کمبود مواجه شده است یا در مواردی با سوءمدیریت توزیع، موجبات نارضایتی عمومی را فراهم نموده است. افزایش قیمت کالاهای اساسی که به‌صورت روزافزون مشاهده می‌شود باعث دوری افکار عمومی از حوزه سیاسی و کانالیزه‌شدن جامعه در حوزه نگرانی‌های اقتصادی خواهد شد و همین امر باعث فاصله گرفتن افکار عمومی و میدان شناختی جامعه از انتخابات ریاست جمهوری می‌شود. هم‌چنین بازارهای اقتصادی به‌ویژه بازار بورس با نوعی رهاشدگی دست‌به‌گریبان شده و به‌صورت مستمر ضررهای متعددی را متوجه سهامداران خرد کرده است.

در حوزه رقابت‌های انتخاباتی، عمدتاً فضا سرد و بی‌روح است و کاندیدایی که بتواند بدنه اجتماعی سنگینی را پای کار بیاورد، وجود ندارد. عمده کاندیداهای موجود در انتخابات، افراد تکراری می‌باشند به‌گونه‌ای که در دو طیف سیاسی نتوانستند اجماع مناسبی را حول یک شخص ایجاد نمایند. از یک‌سو تکثر نیروهای غیرانقلابی به‌دلیل درگیری در حمایت از دولت مستقر و از سوی دیگر حضور نیروهای انقلابی برای اصلاح وضع موجود، فضا را از حالت دوقطبی خارج نموده است.

در حوزه اجتماعی نیز از یک سو به دلیل تضعیف وضعیت معیشت مردم، شاهد افزایش شکاف طبقاتی هستیم و از سوی دیگر عامل مهم دیگری به نام مدیریت بحران کرونا است، به نحوی که عملکرد دولت مستقر سبب شده است این بیماری به سمت کنترل و مدیریت حرکت نکند و همین امر باعث افزایش ناامیدی و فشار افکار عمومی شده است که نتیجه آن در انتخابات ۱۴۰۰، کاهش چشم گیر مشارکت را به دنبال خواهد داشت.

هم چنین شبکه های اجتماعی به عنوان بستر دعوت مردم به عدم حضور در انتخابات و القای گسترده ناامیدی بروز و ظهور خواهد داشت. بزرگ نمایی ناکارآمدی کل سیستم به دلیل ناکارآمد جلوه دادن دولت نیز از دیگر مسائلی است که به صورت گسترده در شبکه های اجتماعی بر آن تأکید خواهد شد؛ لذا شبکه های اجتماعی خود به عنوان بازیگری رادیکال در برابر سیستم مشروعیت بخش به انتخابات به ایفای نقش خواهد پرداخت.

هم چنین بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم ها نیز موضوعی است که ابتکار عمل را از دست دولت مستقر خارج نموده است، به شکلی که دولت مردان ایده جایگزین دیگری را ندارند و منفعلانه شرایط نامناسب جامعه را نظاره گر هستند؛ زیرا سیاست ایالات متحده در فشار به جمهوری اسلامی ایران و بی تفاوت نمودن جامعه نسبت به تغییرات سیاسی و کاهش مشارکت برای کاهش مشروعیت، نتیجه داده است؛ لذا هرگونه لغو تحریم یا ورود به بحث مذاکراتی، می تواند ضربه ای به نتایج این سیاست خصمانه ایالات متحده باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این پژوهش ۴ سناریوی که ناشی از بروز دو عدم قطعیت «میزان امید اجتماعی به تغییر» و «میزان بهبود یا تضعیف معیشت مردم» مورد بررسی قرار گرفت. در هر سناریو شاخص های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین المللی تشریح و روند بروز هر سناریو مورد ارزیابی قرار گرفت. برآوردها نشان می دهد که سناریو شماره ۲ یعنی «مشارکت مردم برای تغییر شرایط» محتمل ترین سناریو می باشد. در این سناریو اگرچه وضعیت معیشت مردم روز به روز بدتر می شود؛ اما هم چنان

امید جامعه برای تغییر شرایط زنده است. در سناریوی مذکور پیش‌بینی شد که احتمالاً مشارکت سیاسی در انتخابات در یک حد ایده‌آل نباشد؛ اما با توجه به نکاتی که گفته شد می‌توان از مشارکت احتمالی اندکی بالاتر ۵۰ درصد سخن گفت؛ لذا این سناریو به‌طور مفصل تشریح گردید. شایان ذکر است که در اندیشه رهبر معظم انقلاب حضور و مشارکت مردم در پای صندوق رأی، امری بسیار حیاتی است. این سیاست فارغ از هرگونه سیاست‌زدگی و جناح‌گرایی است؛ لذا اولین الگو، گروه‌های شناختی فارغ از نتیجه باید در افزایش مشارکت حداکثری نمودار باشد، به‌نحوی که فضا به‌سمت دغدغه‌مندی مردم نسبت به انتخابات حرکت نماید و از دوقطبی‌های کاذبی چون مذاکره یا عدم مذاکره دوری نمایند.

ازسوی دیگر تبیین الگوهای کلان انقلابی‌گری به‌عنوان مشی امام و رهبری فارغ از ورود، به مصداق نکته دیگری است که می‌تواند روند شناختی نیروهای انقلابی را تشکیل دهد. رقیب سیاسی جریان انقلابی در داخل کشور، سعی در ایجاد حائلی میان نیروهای انقلابی و بدنه مردمی دارد که با ذکر دغدغه‌های ملی و اسلامی در چارچوب درخواست مردمی، زمینه تعامل بیشتر نیروهای شناختی با بدنه افکار عمومی فراهم خواهد شد.

منابع

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، چارچوب روش شناختی برای پژوهش‌های محیط شناختی، نشریه مطالعات راهبردی، ۶۸.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۲)، «لغت‌نامه»، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، حسین (۱۳۹۲)، «نظریه‌های مشارکت سیاسی با رویکرد انتخابات»، مطالعات انتخابات، ۲ (۵ و ۶).
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲ (۱).
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۷)، مردم‌سالاری دینی در ایران و برخی کشورهای اسلامی، فصل‌نامه خط اول، ۲ (۴).
- عرب‌بافرانی، محمدرضا؛ عبوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰)، «مطالعه تطبیقی گونه‌شناسی‌های روش در

- آینده پژوهی»، نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۱).
- فیرحی، داوود (۱۳۸۵)، «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصل نامه علوم سیاسی، ۱ (۱).
- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مولایی، محمدمهدی؛ حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۴)، «آینده پژوهی انتخابات ایران و تحولات قدرت در جامعه شبکه‌ای دستاوردهای دیدهبانی شبکه‌های اجتماعی مجازی»، فصل نامه علمی چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۶ (۱).
- نصراصفهانی، علیرضا؛ استادی، رسول؛ حق‌گو، جواد (۱۴۰۰)، «بررسی پیشرفت‌های جدید در روش‌های آینده-پژوهی»، نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۱ (۳).
- وکیلی، شروین (۱۳۹۰)، نظریه سیستم‌های پیچیده، تهران: شورآفرین.

- Amara, Roy,(1974) 'The Futures Field:Functions, Forms and Critical Issues', Futures, Vol.6(4).
- Blackburn, Simon, (1996), Oxford Dictionary of Philosophy, Oxford: Oxford University Press.
- Cohn, Margaret (2003) Radical Soace: Building the House of the People.New York: Comel Uuniversity Press.
- Dare, C. (2006). The UK tour-operating industry: A competitive analysis. Journa of Vacation Marketing, 6(4), 357-367.
- Lindgren, Bandhold, (2003), Scenario Planning The Link between future and strategy, Palgrave Macmillan.
- Masini, Elenora,(1983) Visions of Desirable Societies. Oxford: Pergamon Press.
- Richardson, Jr. J. V. (2006). The library and information economy in Turkmenistan. IFLA Journal, 32(2), 131-139.